



پرونده «جوان» درباره بررسی تبعات افزایش طلاق‌های زودرس

طلاق‌های زودرس و چالش مجرد ماندن زنان جوان مطلقه

۳ ماهه نخست امسال زوج‌هایی که به سالگرد ازدواج‌شان نرسیده فرد می‌شوند، رشد ۳۹ درصدی داشته است

کمتر از یک سال پیش بود که با هزار امید و آرزو زندگی مشترک‌ش را آغاز کرد. انگار شاهزاده خانمی بود که شاهزاده‌ای با اسب سفید رو یا هایش به سراغش آمده بود و او را از غار تنهایی‌اش بیرون کشیده و بر تخت سلطنت نشاند. بود. از شادی در پوست خود نمی‌کنجید. همه چیز به بهترین شکل ممکن پیش رفت. از آشنایی و آغاز عاشقی تا ازدواج و مراسم‌های آن و مهریه همه چیز بر وفق مرادش پیش رفت و خود را خوشبخت‌ترین

دختر دنیا می‌دانست. اما وقتی وارد زندگی مشترک شد، تازه دستش آمد زندگی زیر یک سقف مهارت‌هایی می‌خواهد که او و همسرش فاقد این مهارت‌ها هستند. به همین خاطر هم هنوز جشن سالگرد ازدواج‌شان را نگرفته بودند که راهی دادگاه شدند تا به جای جشن سالگرد ازدواج، طلاق‌شان را جشن بگیرند! حالا در ۲۲ سالگی یا کمتر از یک سال زندگی مشترک او یک زن «مطلقه» شده بود تا زیر سایه این واژه مسیر زندگی‌اش به طور کلی

تغییر کند و شانس ازدواج مجدد و ساخت یک زندگی تازه برایش با اما و اگر‌هایی همراه شود. این چالش اما تنها مشکل او نبود و در تابستان امسال ۳ هزار و ۶۸۰ زوج با سابقه زندگی مشترک کمتر از یک سال «مطلقه» شدند تا هم مسیر زندگی این زوج‌ها و به خصوص زنان جوان مطلقه را تحت‌الشعاع قرار دهد و هم با فرد شدن این تعداد زوج، فرصت فرزندآوری و افزایش جمعیت کشور به تناسب این تعداد طلاق در سال اول زندگی کاهش یابد.

هر چند با افزایش آمار طلاق و جدایی در کشور دیگر نمی‌توان همچون گذشته طلاق را یک تابوی اجتماعی دانست و به نظر می‌رسد تا حدود زیادی فیج خود را در بین خانواده‌ها و جامعه و سرآغش آمده بود و او را همچنان طلاق و افراد مطلقه با چالش‌های اجتماعی متعددی مواجه هستند و یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها موانعی است که بر سر راه ازدواج مجدد زنان و مردان مطلقه قرار می‌گیرد. اما واقعیت اینجاست که مردان و زنان مطلقه فارغ از سن و سال‌شان شانس یکسانی برای ازدواج مجدد و ساختن یک زندگی مشترک تازه ندارند. اگرچه زنان و مردان مطلقه‌ای که هنوز فرزند ندارند راحت‌تر می‌توانند دوباره ازدواج کنند اما حتی در شرایطی که پای فرزندی در میان نیست باز هم شانس ازدواج زنان و مردان مطلقه با هم برابر نیست و مردان مطلقه خیلی وقت‌ها برای ازدواج مجدد به سراغ دخترانی می‌روند که قبلاً ازدواج نکرده‌اند. اما کمتر پیش می‌آید که یک پسر مجرد برای ازدواج زنی مطلقه را انتخاب کند و چنین اتفاقی اغلب با عدم پذیرش خانواده پسر همراه می‌شود. در صورت وجود فرزند نیز زنان مطلقه‌ای که حضانت فرزند یا فرزندان خود را پس از طلاق به عهده می‌گیرند، تقریباً شانس‌ی برای ازدواج مجدد نخواهند داشت اما مردان مطلقه حتی با وجود یک یا چند فرزند، باز هم برای ازدواج مجدد شانس دارند. این آنگونه‌ای که گروه هم باید فکری کرد چرا که این گروه از افراد در عمل از چرخه فرزندآوری نیز خارج می‌شوند که این مسئله با سیاست‌های جمعیتی کشور در تضاد خواهد بود.

شده با مدت ازدواج کمتر از یک سال از ۲ هزار و ۱۹۸ طلاق در بهار سال جاری با رشد ۳۹ درصدی به ۳ هزار و ۶۸۰ طلاق در تابستان ۹۹ رسیده است. اگرچه به طور کلی آمار طلاق با مدت ازدواج کمتر از یک سال در شش ماهه اول سال ۹۹ نسبت به سال گذشته کاهش ۱۳ درصدی داشته است اما مطابق با آمار همین گزارش، تعداد طلاق ثبت شده در بهار ۹۸ با مدت ازدواج کمتر از یک سال ۲ هزار و ۸۷۳ بوده است که با رشد ۱۱ درصدی طی سه ماه به ۳ هزار و ۲۰۹ طلاق در تابستان ۹۸ رسیده است. از این رو روند رشد طلاق با مدت ازدواج کمتر از یک سال از بهار به تابستان که در سال گذشته ۱۱ درصد بوده است و اکنون به ۳۹ درصد رسیده، قابل تأمل است.

ازدواج بود با رشد ۲۶ درصدی به ۱۶۱ هزار و ۵۵۶ رویداد در تابستان ۹۹ رسیده است. از سوی دیگر اما اگر تعداد رویداد ازدواج ثبت شده در شش ماهه نخست سال جاری را با همین آمار در شش ماهه نخست سال گذشته مقایسه کنیم درمی‌یابیم که به طور کلی تعداد رویداد ازدواج ثبت شده شش ماهه نخست امسال ۲ درصد کاهش داشته است. نکته جالب توجه دیگر در این آمارها میانگین سنی زوج‌هایی است که زندگی‌شان به جدایی ختم شده است. بر اساس آمارهای سازمان ثبت احوال کشور، ۲/۱۲ درصد از ازدواج‌های صورت گرفته بین سال ۹۱ تا ۹۷ به طلاق ختم شده و ۸/۲ درصد از این زوج‌های طلاق گرفته فقط یک سال زندگی کرده‌اند. به تعبیری، میزان طلاق ثبت شده نسبت به ازدواج‌های ثبت شده حدود ۲۰ درصد است و میانگین سنی طلاق ۲۵ تا ۲۶ سالگی است.

بنابراین با پدیده زنان مطلقه جوانی مواجهیم که شانس ازدواج مجدد و تشکیل زندگی دوباره برای آنها به مراتب کمتر از مردان مطلقه است. این در حالی است که اغلب مردان به خصوص در سنین جوانی به ازدواج مجدد روی می‌آورند. فضای فرهنگی جامعه هم این مردان را همراهی می‌کند و با ازدواج مجدد مردان مشکلی ندارد اما زنان مطلقه هر قدر هم جوان، برای ازدواج مجدد با تباوهای اجتماعی مواجهند و همین مسئله موجب می‌شود بخشی از زنان تنها و مجرد جامعه زنان باشند که مدت کوتاهی شوهردار بوده‌اند و در سنین پایین از همسرشان جدا شده‌اند.

یعنی امروز جوانانی برای انتخاب گزینه جدایی راهی دادگاه‌های خانواده می‌شوند که متولد سال‌های ۷۳ و ۷۴ هستند. این بدین معناست که حالا پدیده طلاق به دهه هفتادی‌ها رسیده است و حدود نیمی از نسل از ازدواج‌های زنان که منجر به طلاق شده‌اند، مربوط به زنان دهه هفتادی است.

شانس نابرابر مردان و زنان برای ازدواج مجدد

شانس مردان برای ازدواج مجدد پس از طلاق بیشتر از زنان است. آمارها نشان می‌دهد در برابر هر ۱۷۹ زن بدون همسر بر اثر طلاق ۱۰۰ مرد به ثبت رسیده است. اغلب این زنان هم در سنین جوانی قرار دارند. آخرین سرشماری مرکز آمار نشان می‌دهد که ۳ میلیون و ۸۳۹ هزار و ۸۸۴ فرد بدون همسر هستند که سهم زنان از این تعداد ۸۱ درصد است که ۶۲ درصد آنها در اثر فوت همسر در این آمار قرار گرفته‌اند و همچنین ۱۹ درصد زنان مطلقه هستند و همچنین سهم مردان از

تعداد رویداد ازدواج ثبت شده در بهار ۹۹ نیز که ۱۲۷ هزار و ۴۱۷

نظر کارشناس

آسیب‌های اجتماعی در کمین ۷۰۰ هزار زن مطلقه زیر ۵۰ سال



می‌شد ولی در وضعیت کنونی معادل هر ۳ ازدواج، یک طلاق ثبت می‌شود که نشان دهنده شیب افزایشی و وضعیت خطرناک است. طبق آخرین سرشماری، یک میلیون و ۴۰۰ هزار دختر بالای ۳۰ سال در کشور وجود داشته و همچنین ۷۰۰ هزار زن مطلقه زیر ۵۰ سال در کشور هستند که در معرض آسیب جدی هستند و مشکلات بسیاری دارند. از سوی دیگر آمار موالید ما به شدت در حال کاهش است که این موضوع باعث خواهد شد نسبت بازنشستگان نسبت به جوانان روز به روز بیشتر شود.

امیرحسین یانکی پورفرد عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی

در میان مباحث فرهنگی در کشور بحث خانواده‌داری بیشترین اولویت است. خانواده سلول بنیادی جامعه است و اگر آسیب ببیند کل نظام اجتماعی صدمه خواهد خورد، بر همین اساس حفظ و استحکام خانواده بسیار بااهمیت و اثرگذار است. با وجود این شاهد هستیم که در هفت یا هشت سال گذشته آمار ازدواج سقوط آزاد داشته و حدود ۴۰ درصد کاهش پیدا کرده است. این در حالی است که جمعیت بدبخت ما نه تنها کاهش نداشته، بلکه افزایش نیز داشته است. از سال ۹۱ تاکنون شیب ازدواج کاهشی بوده و در سال جاری ۵۰۰ هزار ازدواج ثبت شده که نسبت به شش سال گذشته ۴۰ درصد کاهش داشته است، در حالی که جمعیت رو به افزایش بوده و آمار جوانان در سن ازدواج نیز کاهش پیدا نکرده است.

موضوع دارای اولویت دیگر بحث طلاق است که متأسفانه به عنوان یک آسیب جدی در حال تهدید کردن جامعه است. سال ۷۲ در کشور از حدود هر ۱۶ ازدواج یک طلاق ثبت

کاهش ۴۰ درصدی رضایت از ازدواج در ازدواج دوم



اگر ازدواج دوم از روی ناگهانی، جبر و فشار انجام شود، شرایط بهتری از ازدواج اول نصیب خانم‌ها نمی‌شود به همین دلیل توصیه می‌کنیم تا جایی که امکان دارد در ازدواج اول بمانند و اگر دیگر چاره‌ای نیست آگاهانه طلاق بگیرند. در صورتی هم که طلاق صورت گرفت، ازدواج دوم باید آگاهانه انجام شود یعنی حتماً باید خانم‌ها و آقایان با روانشناس متخصص صحبت کنند و مشورت بگیرند. در کشورهای غربی یک خانم پنج بار فرصت ازدواج برابر دارد اما در ایران نه تنها این گونه نیست بلکه ازدواج دوم هم برابر صورت نمی‌گیرد و اصولاً خانم‌ها مجبور هستند با مردانی که همسرشان فوت کرده یا طلاق گرفته یا بچه و سن بالا دارند ازدواج کنند. اگر هم با فرد مجرد ازدواج کنند باید مورد بررسی قرار داد چرا آن مرد تا این سن مجرد بوده و ازدواج نکرده است.

دلیل ازدواج مجدد خانم‌ها فقط مسائل و مشکلات اقتصادی نیست بلکه مطالعات نشان می‌دهد بسیاری از این خانم‌ها به دنبال بازسازی روابط و ایجاد آشنایه گرم زندگی زناشویی هستند. اما در عین حال معمولاً پس از طلاق، امنیت اقتصادی خانم‌ها به خطر می‌افتد به

علیرضا شریفی یزیدی جامعه‌شناس

یادداشت



رشد آمار ازدواج مجدد در جامعه

با پدیده طلاق‌های مکرر مواجهیم

محمد مهدی نیک‌ضمیر

آمار طلاق و کاهش مدت زمان زندگی مشترک در کشور آذرب هشار آسیب‌های اجتماعی را به صدا درآورده است. خیل کثیر زنان و مردانی که با سابقه زندگی کمتر از پنج سال یا حتی یک سال از هم جدا می‌شوند، در سنین جوانی و در بازه سنی ۳۰ تا ۴۰ سالگی قرار دارند. بدیهی است این زنان و مردان جوان نمی‌توانند تا آخر عمر مجرد بمانند و هر کدام از آنها حق دارند دوباره ازدواج کنند و زندگی مشترکشان را با فرد دیگری که شاید تناسب بیشتری با هم دارند از سر بگیرند و جامعه و فرهنگ اجتماعی ما هم باید چنین فضایی را برای این گروه از جوانان فراهم کند. آمارها هم گویای آن است که آمار ازدواج مجدد در جمعیت بالا رفته است.

بر اساس داده‌های آخرین سرشماری کشور در سال ۹۵ و در مقایسه با آمارهای سال ۸۵ درمی‌یابیم در این بازه زمانی ۱۰ سال جمعیت مردان بی‌همسر به علت طلاق طی این ۱۰ سال ۲۵۹ هزار و ۲۹۷ نفر و برای زنان ۴۶۰ هزار و ۴۹۴ نفر افزایش پیدا کرده است. در هر دو سرشماری، سهم مردان بی‌همسر به دلیل طلاق از کل جمعیت بی‌همسر به دلیل طلاق ۳۶ درصد و سهم زنان بی‌همسر به دلیل طلاق از کل جمعیت بی‌همسر به دلیل طلاق ۶۴ درصد بوده است و در هر دو سرشماری، همواره سهم زنان بی‌همسر به دلیل طلاق بیشتر بوده است و نسبت جمعیت زنان بدون همسر به دلیل طلاق ۱/۸ برابر جمعیت مردان بدون همسر به دلیل طلاق بوده و در دو نسبت مردان و زنان بدون همسر به دلیل طلاق در سال ۹۵ نسبت به سال ۸۵، ۲/۴ برابر افزایش پیدا کرده است.

با عنایت به سهم ۵۰ درصدی طلاق در پنج ساله نخست زندگی، ما با زنان و مردان مطلقه‌ای مواجهیم که در سنین جوانی قرار دارند و رها شدن این گروه به حال خود و مجرد ماندن آنها، تبعات متعددی را برای جامعه و فرد در پی دارد و می‌تواند گروه زنان و مردان مطلقه را از حوزه فرزندآوری و نقش‌آفرینی در بازسازی جمعیت کشور خارج کند. آمارها آمار از افزایش ازدواج مجدد مردان و زنان در جامعه حکایت دارد. به طور مثال سهم ازدواج مجدد مردان در شش سال منتهی به ۱۹۷ از عدد ۲۷۱ به ۶۱۹ رسیده است. این در حالی است که سهم ازدواج‌هایی که زن و مرد اولین بار هم ازدواج کرده‌اند در همین شش سال از ۵۳/۴ به ۷۸/۴ کاهش یافته است.

آمر مردانی که هرگز ازدواج نکرده بودند و برای اولین بار با یک زن که تجربه ازدواج قبلی داشته‌اند هم ازدواج داشته و از سال ۹۲ تا یک درصد به حدود ۵ درصد در سال ۹۷ رسیده است. بنابراین هر چند آمار ازدواج مجدد در زنان و مردان رشد داشته اما رشد الگوی ازدواج مجدد مردان بیش از الگوی ازدواج زنان است. نتایج مطالعاتی نشان می‌دهد در بین سال‌های ۹۲ تا ۹۷ (به مدت شش سال) ۳۰۲ هزار زن از کل زنانی که در این شش سال طلاق گرفته‌اند ازدواج مجدد داشته‌اند که این تعداد حدود ۴۷ درصد زنان مطلقه بین سال ۹۲ تا ۹۷ را دربر می‌گیرد. در این میان به گواه گزارش‌های آماری هر چه زنان مطلقه در سنین بالاتری طلاق را تجربه کرده باشند، شانس ازدواج‌شان کمتر است و مدت زمان بیشتری قبل طلاق و ازدواج مجددشان فاصله می‌افتد. اگرچه کارشناسان و مشاوران خانواده توصیه می‌کنند برای ازدواج مجدد به خصوص در طلاق‌های زودهنگام باید زوج مطلقه لاقول یک سالی به خود فرصت بدهند. در این فرصت از یک سو احتمال بازگشت این زوج به زندگی زناشویی خودشان وجود دارد و از سوی دیگر، هم زن و هم مرد فرصت می‌یابند تا آسیب‌های روحی ناشی از طلاق و جدایی را جبران کنند و با همان وضعیت روحی ناسامان وارد یک زندگی جدید نشوند.

بنابراین هر چند ازدواج مجدد برای زنان و مردان مطلقه یک ضرورت است و هر دو نفر حق دارند یک زندگی تازه را شروع کنند اما این شروع مجدد ضوابط و شرایط دارد که برای رسیدن به یک ازدواج و زندگی موفق پس از تجربه شکست در ازدواج قبلی ضروری است. شاید عدم رعایت همین نکات موجب شده تا شاهد تعدد طلاق در درصدی از زنان و مردان باشیم. به طور مثال در سال ۹۷ حدود ۸ درصد طلاق‌های زنان و مردان مربوط به ازدواج دوم و بیشتر است.

طلاق پایان راه زندگی زناشویی نیست و به تناسب شرایط اجتماعی باید که برای این فرسنگ هم جابجند که مردان و زنان مطلقه هم می‌توانند دوباره ازدواج کنند و در ازدواج دومشان موفق باشند اما در عین حال لازم است تا در کنار فرهنگ‌سازی برای ازدواج دوم، برای پایداری ازدواج اول و همچنین پیشگیری از پدیده طلاق‌های مکرر هم فکری شود.